

«فصلنامه علوم تربیتی»

سال چهارم - شماره ۱۶ - زمستان ۱۳۹۰

ص. ص. ۱۳۵ - ۱۲۱

مقایسه نوع و میزان خشم میان نوجوانان پسر در معرض تماشای زیاد و کم فیلم‌های خشن مشکین شهر

دکتر زینب خانجانی^۱

دکتر سیدداود حسینی نسب^۲

شیوا عظیم‌زاده^۳

چکیده:

هدف از پژوهش حاضر، بررسی مقایسه‌ای نوع و میزان خشم در میان نوجوانان در معرض تماشای زیاد و کم فیلم‌های خشن می‌باشد.

روش پژوهش حاضر بصورت غیر تجربی و از نوع علی - مقایسه‌ای است. جامعه آماری مورد مطالعه متشکل از کلیه پسران سال سوم دبیرستان شهرستان مشکین شهر و گروه نمونه ۳۰۰ دانش آموز سال سوم دبیرستان می‌باشد که به روش نمونه گیری تصادفی چند مرحله ای انتخاب شده اند و به دو پرسشنامه، شامل پرسشنامه محقق ساخته تماشای فیلم خشن، پرسشنامه خشم حالت - صفت اسپیلبرگر پاسخ دادند.

مقایسه نتایج با آزمون آماری t مستقل نشان داد که بین میانگین خشم در دو گروه از پسران در معرض تماشای کم و زیاد فیلم‌های خشن تفاوت معنی دار وجود دارد. همچنین بین دو گروه در معرض تماشای زیاد و کم فیلم‌های خشن در حالت خشم، صفت خشم، کنترل درون ریزی خشم و کنترل برون ریزی خشم تفاوت معنی دار بود. در حالیکه در برون ریزی و درون ریزی خشم تفاوت معنی دار بدست نیامد.

واژگان کلیدی: فیلم خشن، خشم، خشونت، تلویزیون.

۱. دانشیار و عضو هیئت علمی دانشگاه تبریز، تبریز، ایران.

۲. استاد و عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز، تبریز، ایران.

۳. کارشناس ارشد روانشناسی

مقدمه:

درباره تأثیر برنامه‌های خشونت آمیز بر روی افراد به ویژه کودکان و نوجوانان تاکنون بحث‌های بسیار و تحقیقات فراوانی صورت گرفته است. تحقیقات روانشناختی تأیید می‌کنند که بسیاری از رفتارها و یادگیری‌ها، از طریق تقلید و مشاهده رخ می‌دهد و گزارش‌های عینی اکثر والدین نیز نشان داده‌اند که کودکان و حتی نوجوانان، اعمال به نمایش در آمده و عبارات بیان شده در برخی از برنامه‌های تلویزیونی را تقلید می‌کنند (جوادی، سهرابی، فلسفی نژاد، برجعلی، ۱۳۸۷). مهمترین نظریه‌ای که به نحوه گسترده به بررسی این موضوع پرداخته، رویکرد یادگیری اجتماعی بندورا^۴ است. بر طبق نظریه یادگیری اجتماعی بندورا یادگیرنده از طریق مشاهده رفتار دیگران به یادگیری می‌پردازد (سیف، ۱۳۸۸).

پیشرفت‌های امروزی صنعت تلویزیون در نگاه اول بسیار رضایت بخش به نظر می‌رسد. فیلم‌ها و برنامه‌های سرگرم کننده را می‌توان با فشار یک دکمه از سراسر جهان در هر ساعتی از روز دریافت کرد. اما در ورای این رضایت عمومی از پیشرفت‌های بدست آمده در این صنعت، نگرانی‌های عمیقی در مورد دسترسی بسیار آسان نوجوانان، بویژه کودکان و خردسالان به برنامه‌های خشونت آمیز و هرزه نگارانه، آن هم به صورت آزاد و نامقوع نهفته است (کارلسون، فایلیتزن، ۱۳۸۰). این نگرانی در مورد خشونت تلویزیونی به اولین روزهای ورود رسانه بر می‌گردد. ریشه این مسئله را می‌توان در نگرانی که معمولاً هر وقت که وسیله تفریحی جدید عمومی ظاهر می‌شود پیدا کرد. این عکس العمل انتقادی در ورود رمان‌های عمومی حادثه‌ای و خیال انگیز در قرن ۱۹ و افزایش فیلم‌های سینمایی محبوب در طی نیمه اول قرن بیستم نیز رخ داده است (گانتز^۵، ۲۰۰۸). گرایش بسیار قوی به محدود سازی این تهاجم رسانه‌ای که در حد برنامه‌های تلویزیونی باقی نمانده و به آسانی در بازی‌های الکترونیکی فیلم‌های سینمایی و مطالب سمعی و بصری موجود در اینترنت نیز یافت می‌شود شکل گرفته است. با افزایش تعداد و انواع رسانه‌ها، حجم نمایش و انتشار خشونت در رسانه‌ها نیز افزایش یافته است (کارلسون، فایلیتزن، ۱۳۸۰). به طور کلی رسانه‌ها دنیایی را به نمایش می‌گذارند که در آن رفتارهای ناسالمی مانند خشونت جسمی، رفتار جنسی بدون محافظت، مصرف سیگار و نوشیدن مست کننده‌ها را بی‌خطر جلوه می‌دهد (براون^۶، ویترسپون^۷، ۲۰۰۲). انجمن روانشناسی آمریکا (نقل از استفن مایرز^۸، ۲۰۰۲) در طی تحقیقات خود به این نتیجه رسید که قرار گرفتن بیشتر در معرض خشونت رسانه‌ای ارتباط مستقیمی با افزایش رفتارهای پرخطرانه دارد و موجب پذیرش نگرش پرخطرانه می‌شود.

4. Bandura

5. Gunter

6. Media Violence

7. Brown

8. Witherspoon

9. Stephen Meyers

این در حالیست که نتایج مطالعه کالنین^{۱۰}، ادواردس^{۱۱}، وانگ^{۱۲}، کرونین برگر^{۱۳}، هیمر^{۱۴} و همکاران (۲۰۱۱) نشان می‌دهد که خشونت رسانه‌ای ممکن است در افراد خاصی که خصوصیات پرخاشگرانه دارند تأثیر بگذارد.

در بررسی‌هایی انجام شده نشان داده شده است که نمایش خشونت در رسانه‌ها علت اصلی بسیاری از پرخاشگری‌ها و رفتارهای خشن در زندگی واقعی است (دونرستین^{۱۵}، اسمیت^{۱۶}، هیوسمن^{۱۷}، مویز^{۱۸}، پودلسکی^{۱۹}، و همکاران؛ نقل از فانک^{۲۰}، بالداکی^{۲۱}، پاسولد^{۲۲}، بومگاردنر^{۲۳}، ۲۰۰۴). شواهد هماهنگی هم در مورد اینکه تصاویر خشونت آمیز در تلویزیون، فیلم، ویدیو و بازی‌های کامپیوتری دارای اثرات کوتاه مدت قابل توجهی در برانگیختگی افکار، احساسات و افزایش احتمال پرخاشگری و یا ترس در نوجوانان و بخصوص در پسران را موجب می‌شوند وجود دارد (براون^{۲۴}، همیلتون – گیآچریتیس^{۲۵}، ۲۰۰۸).

تحقیقات نشان می‌دهد کودکانی که زمان بیشتری به تماشای تلویزیون در روز می‌پردازند سطح بالاتری از رفتارهای خشونت آمیز را نسبت به کودکانی که مقدار کمتری در روز به تماشای تلویزیون می‌پردازند گزارش می‌کنند (سینگر^{۲۶}، اسلوواک^{۲۷}، فریسون^{۲۸}، یورک، ۲۰۰۹).

در مطالعه‌ای که آندرسون (نقل از گوندرسون، ۲۰۰۶) انجام داد نتایج وی نشان داد پسرانی که فیلم‌های خشونت آمیز را تماشا کرده بودند افکار و احساسات پرخاشگرانه را نسبت به کسانی که فیلم‌های مسلمات آمیز را دیده بودند نشان دادند.

10. Kalnin
11. Edwards
12. Wang
13. Kronenberger
14. Hummer
15. Donnerstein
16. Smith
17. Huesmann
18. Moise
19. Podolski
20. Funk
21. Baldacci
22. Pasold
23. Baumgardner
24. Brown
25. Hamilton – Giachritsis
26. Singer
27. Slovak
28. Frieson

این در حالیست که مطالعه کراه^{۲۹} و مولر^{۳۰} (۲۰۱۱) نشان داد یک ارتباط مثبت مستقیمی بین استفاده از خشونت رسانه‌ای و ارزیابی معلم از پرخاشگری دختران و پسران وجود دارد. و مطالعات دیگر نیز نشان می‌دهد نمایش خشونت رسانه‌ای با پرخاشجویی بعدی دانش آموزان و پرخاشجویی بعدی نسبت به عوامل دیگر خطرناکتر است (هوپف، هوبر، ویف، ۲۰۰۸).

شماری از مطالعات بلند مدت حاکی از آنند که هر چه افراد در کودکی خشونت بیشتری در تلویزیون تماشا کنند، سال‌ها بعد به عنوان نوجوان یا جوان بزرگسال خشونت بیشتری از خود نشان می‌دهند. در یک مطالعه نمونه از این نوع، ۱. از نوجوانان سؤال شد به یاد آورند که وقتی بچه بودند، کدام برنامه را تماشا می‌کردند و آنها را به چه میزان تماشا می‌کردند؛ ۲. آن برنامه‌ها از لحاظ سطح خشونت، توسط داوران مستقل درجه بندی شدند؛ ۳. پرخاشگری عمومی نوجوانان، مستقیماً توسط معلمان و همکلاسی‌های آنان درجه بندی شد. نه تنها بین میزان تماشای برنامه‌های تلویزیونی خشن و پرخاشگری بعدی بینندگان، همبستگی بالایی وجود داشت بلکه تأثیر آن طی زمان، انباشته و مترکم شده بود. به این معنا که با افزایش سن، استحکام این رابطه افزایش می‌یافت. با اینکه این داده‌ها از استحکام نسبی برخوردارند، به صورت قاطع ثابت نمی‌کنند که تماشای خشونت در تلویزیون به مقدار زیاد، باعث می‌شود که بچه‌ها نوجوانان خشن بشوند (ارونسون^{۳۱}، ۱۳۸۵). از آنجا که در دنیای امروز روز به روز بر میزان استفاده از رسانه‌ها و انواع دستگاه‌های ارتباط جمعی افزوده می‌شود بنابراین این موضوع مسأله مهمی برای جامعه امروز محسوب می‌شود که نیاز به پژوهش‌های دقیق علمی را اجتناب ناپذیر می‌سازد. از سوی دیگر با توجه به یافته‌های متناقض فوق الذکر هنوز پاسخ قاطعی برای این سؤال که آیا تماشای فیلم‌های خشن می‌تواند سطح خشم را افزایش دهد، به دست نیامده است به همین دلیل انجام پژوهشی در این حیطة می‌تواند پاسخگوی تناقضات فوق الذکر باشد.

پژوهش حاضر به دنبال آن است تا به مقایسه نوع و میزان خشم در میان نوجوانان پسر در معرض تماشای زیاد و کم فیلم‌های خشن بپردازد.

روش

جامعه آماری، گروه نمونه و روش نمونه گیری

جامعه آماری این پژوهش کلیه دانش آموزان پسر سال سوم دبیرستان شهرستان مشکین شهر در سال تحصیلی ۸۹-۹۰ می‌باشد. بر اساس آمار بدست آمده از اداره آموزش و پرورش مشکین شهر تعداد آنها

²⁹. Krahé

³⁰. Möller

³¹. Aronson

۱۴۲۵ نفر بود که بر این اساس تعداد افراد نمونه آماری پژوهش ۳۰۰ نفر از دانش آموزان سال سوم دبیرستان شهرستان مشکین شهر می‌باشد. تعداد نمونه براساس جدول مورگان^{۳۲} محاسبه شده است. در این تحقیق از روش نمونه گیری تصادفی چند مرحله‌ای استفاده گردید. به این صورت که ابتدا فهرستی از دبیرستان‌های سال سوم پسرانه مشکین شهر تهیه گردید و سپس در مرحله اول از بین مدارس پسرانه ۱۵ مدرسه و از هر مدرسه یک کلاس انتخاب شدند. بدین ترتیب ۱۵ کلاس در طرح قرار گرفت و در گام بعدی از روی لیست حضور و غیاب از هر کلاس تعداد ۲۰ دانش آموز بصورت کاملاً تصادفی انتخاب شدند.

ابزار های پژوهش

۱- پرسشنامه محقق ساخته فیلم خشن^{۳۳}:

این پرسشنامه توسط محقق و با استناد به منابع و مقالات پژوهشی انجام شده قبلی در حیطه آثار فیلم‌های خشن و پرسشنامه‌های قبلی مثل پرسشنامه اوقات فراغت (گوندerson^{۳۴}، ۲۰۰۶) و پرسشنامه میزان تماشای خشونت تلویزیونی توسط کودکان (توسلی، فاضلی، ۱۳۸۱) و با استفاده از نقطه نظرات دو تن از اعضای هیئت علمی روان شناسی دانشگاه آزاد اسلامی تبریز (استاد راهنما و مشاور) ساخته شده است. این پرسشنامه یک ابزار خود گزارش دهی است که شامل ۱۳ عبارت می‌باشد که آزمودنی‌ها به هر یک از عبارات در یک طیف ۵ درجه‌ای از نوع لیکرت از خیلی کم (۱) کم (۲) متوسط (۳) زیاد (۴) خیلی زیاد (۵) پاسخ می‌دهند. این پرسشنامه شامل دو بخش از سؤالات می‌باشد که سؤالات ۱۱، ۱۰، ۸، ۴، ۲، ۱، میزان علاقه افراد را به فیلم‌های عادی (خانوادگی، آموزشی و یادگیری، سرگرم کننده، لطیف و احساسی) و سؤالات ۱۳، ۱۲، ۹، ۷، ۵، ۳ که میزان علاقه افراد را به فیلم‌های خشن (جنگی و رزمی، وحشتناک، قتل و کُشتار) را نشان می‌دهد. در پژوهش حاضر به منظور بررسی اعتبار محتوایی پرسشنامه فوق الذکر از نظر اساتید صاحب نظر در این مورد استفاده شد. بنابراین اعتبار محتوایی پرسشنامه فوق بررسی شده است. بطوری که پرسشنامه مذکور توسط سه تن از اعضای هیئت علمی روان شناسی مورد بررسی و تأیید قرار گرفت.

به منظور بررسی پایایی سؤالات مربوط به پرسشنامه فوق از آزمون آلفا کرونباخ استفاده شد تا با محاسبه این ضریب به پایایی درونی گویه‌ها پی برده شود. میزان آلفای کرونباخ در این پرسشنامه پس از اجرا روی یک گروه ۳۰ نفره برابر با ۰/۷۹ بود که نشان دهنده مناسب بودن سؤالات می‌باشد.

³². Morgan

³³. Violent movie

³⁴. Gunderson

۲- پرسشنامه بیان خشم حالت _ صفت اسپیلبرگر:

پرسشنامه بیان حالت - صفت خشم در موقعیت های بالینی و پژوهش های ناظر بر خشم، به طور وسیع مورد استفاده قرار می گیرد. این سیاهه یک مقیاس مداد کاغذی است که برای گروه سنی ۱۵ سال به بالا قابل اجرا است و دارای ۵۷ آیتم، شش مقیاس و پنج خرده مقیاس و یک شاخص بیان خشم که یک اندازه کلی از بیان و کنترل خشم فراهم می کند. (خدایاری فرد، غلامعلی لواسانی، اکبری زرد خانه، لیاقت، ۱۳۸۸). در این پرسشنامه شش مقیاس شامل (۱) حالت خشم [مشتمل بر خرده مقیاس های احساس خشم، احساس نیاز به بیان کلامی خشم، احساس نیاز به بیان فیزیکی خشم]؛ (۲) مقیاس صفت خشم [با خرده مقیاس های خلق و خوی خشمگین، واکنش خشمناک] (۳) برون ریزی خشم (۴) کنترل برون ریزی خشم (۵) درون ریزی خشم (۶) کنترل درون ریزی خشم و یک شاخص کلی بیان خشم وجود دارد. کلیه مقیاس ها براساس لیکرت ۴ گزینه ای نمره دهی می شوند که بر این اساس امتیاز کل ابزار دارای محدوده ۲۲۱-۵۷ و در شاخص کلی بیان خشم دارای دامنه صفر تا ۹۶ است. (بقایبی لاکه، خلعتبری، ۱۳۸۹). پایایی این پرسشنامه در ضریب آلفا برای مقیاس ها و خرده مقیاس های ناظر بر حالت خشم و صفت خشم، بالاتر از ۰/۸۴ (۰/۸۸ = میانگین) (اسپیلبرگر؛ نقل از نویدی، ۱۳۸۷). و برای مقیاس های بیان خشم (برون ریزی خشم، درون ریزی خشم)، کنترل خشم (کنترل برون ریزی خشم، کنترل درون ریزی خشم) و شاخص کلی خشم بالاتر از ۰/۷۳ (۰/۸۲ = میانگین) گزارش شده است. (نویدی، ۱۳۸۷) و مجموعه شواهد فراهم شده به وسیله مطالعات مختلف که در راهنمای عملی STAXI-2 به آنها استناد شده است، نشان می دهد که این پرسشنامه از روایی رضایت بخشی نیز برخوردار است (نویدی، ۱۳۸۷).

روش اجرای پژوهش

پس از بدست آوردن معرفی نامه از دانشگاه آزاد اسلامی به آموزش و پرورش شهر مشکین شهر مراجعه کرده و اسامی دبیرستان های پسرانه شهر را پرسیده و سپس از بین آنها بصورت تصادفی ۱۵ مدرسه پسرانه انتخاب گردید و با مراجعه به آن مدارس از هر کلاس سوم دبیرستان تعداد ۲۰ دانش آموز بصورت کاملاً تصادفی انتخاب و بدین ترتیب از بین ۱۵ مدرسه تعداد ۳۰۰ دانش آموز پسر بصورت تصادفی انتخاب شدند و پرسشنامه محقق ساخته تماشای فیلم خشن و آزمون پرخاشگری و خشم به دانش آموزان داده شد تا به آنها پاسخ دهند و برای جلب رضایت آنها به دانش آموزان گفته شد که نتایج در اختیار کسی قرار نمی گیرد و صرفاً محقق از آن باخبر می شود. سپس داده ها استخراج شده و ۲۵ درصد دانش آموزانی که بالاترین نمره را در آزمون محقق ساخته فیلم خشن بدست آورده اند با ۲۵ درصدی که نمره پایین تری را در این پرسشنامه بدست آورده اند از لحاظ نوع و میزان خشم مورد مقایسه قرار می گیرند و داده ها با استفاده از SPSS تحلیل گردید.

یافته‌ها

جدول ۱. نتایج آزمون تی تست برای خشم کلی در دو گروه از نوجوانان بر اساس در معرض قرار گرفتن به تماشای فیلم‌های خشن

در معرض تماشا	تعداد	میانگین	انحراف معیار	مقدار t	درجه آزادی	سطح معنی داری
کم	۶۹	۸۴۰۶.۳۷	۵۱۹۳۲.۱۱	۴۹.۴-	۱۵۱	۰۰۰.
زیاد	۷۴	۶۴۲۹.۴۶	۴۹۱۵۸.۱۲			

میانگین خشم کلی برای پسرانی که در معرض تماشای کم به فیلم‌های خشن بوده‌اند ۳۷/۸۴ و در پسرانی که در معرض تماشای زیاد به فیلم‌های خشن بوده‌اند ۴۶/۶۴ می‌باشد. آزمون تی تست اختلاف معنی داری را بین میانگین خشم کلی در دو گروه از پسران نشان می‌دهد. ($p < 0.05$ و $t = 4.49$). به عبارتی خشم کلی پسرانی که بیشتر فیلم خشن تماشا کرده‌اند بطور معنی‌داری بیشتر از افرادی است که کمتر در معرض تماشای این فیلم‌ها قرار گرفته‌اند.

جدول ۲. نتایج آزمون تی تست برای حالت خشم در دو گروه از نوجوانان بر اساس در معرض قرار گرفتن به تماشای فیلم‌های خشن

در معرض تماشا	تعداد	میانگین	انحراف معیار	مقدار t	درجه آزادی	سطح معنی داری
کم	۶۹	۸۲۶۱.۲۵	۶۰۹۰۹.۸	۹.۵-	۱۵۱	۰۰۰.
زیاد	۷۴	۲۹۷۶.۳۶	۴۹۶۵۳.۱۲			

میانگین حالت خشم برای پسرانی که در معرض تماشای کم به فیلم‌های خشن بوده‌اند ۲۵/۸۲ و در پسرانی که در معرض تماشای زیاد به فیلم‌های خشن بوده‌اند ۳۶/۲۹ می‌باشد. آزمون تی تست اختلاف معنی‌داری را بین میانگین حالت خشم در دو گروه از پسران نشان می‌دهد. ($p < 0.05$ و $t = 5.9$). به عبارتی حالت خشم پسرانی که بیشتر فیلم خشن تماشا کرده‌اند بطور معنی‌داری بیشتر از افرادی است که کمتر در معرض تماشای این فیلم‌ها قرار گرفته‌اند.

جدول ۳. نتایج آزمون تی تست برای صفت خشم در دو گروه از نوجوانان بر اساس در معرض قرار گرفتن به تماشای فیلم‌های خشن

در معرض تماشا	تعداد	میانگین	انحراف معیار	مقدار t	درجه آزادی	سطح معنی داری
کم	۶۹	۶۹۵۷.۲۱	۲۵۶۴۵.۷	۱.۴-	۱۵۱	۰۰۵.
زیاد	۷۴	۸۹۲۹.۲۶	۹۵۹۲۶.۷			

میانگین صفت خشم برای پسرانی که در معرض تماشای کم به فیلم‌های خشن بوده‌اند ۲۱/۶۹ و در پسرانی که در معرض تماشای زیاد به فیلم‌های خشن بوده‌اند ۲۶/۸۹ می‌باشد. آزمون تی تست اختلاف معنی داری را بین میانگین صفت خشم در دو گروه از پسران نشان می‌دهد. ($t=4,1$ و $p < 0,05$). به عبارتی صفت خشم پسرانی که بیشتر فیلم خشن تماشا کرده‌اند بطور معنی داری بیشتر از افرادی است که کمتر در معرض تماشای این فیلم‌ها قرار گرفته‌اند.

جدول ۴. نتایج آزمون تی تست برای درون ریزی خشم در دو گروه از نوجوانان بر اساس در معرض قرار گرفتن به تماشای فیلم‌های خشن

در معرض تماشا	تعداد	میانگین	انحراف معیار	مقدار t	درجه آزادی	سطح معنی داری
کم	۶۹	۹۲۷۵.۱۹	۶۹۷۶۸.۴	۳۵.۱-	۱۵۱	۷۷۴.
زیاد	۷۴	۶۶۶۷.۱۹	۲۰۷۹۱.۶			

میانگین درون ریزی خشم برای پسرانی که در معرض تماشای کم به فیلم‌های خشن بوده‌اند ۱۹/۹۲ و در پسرانی که در معرض تماشای زیاد به فیلم‌های خشن بوده‌اند ۱۹/۶۶ می‌باشد. آزمون تی تست اختلاف معنی داری را بین میانگین درون ریزی خشم در دو گروه از پسران نشان نمی‌دهد.

جدول ۵. نتایج آزمون تی تست برای برون ریزی خشم در دو گروه از نوجوانان بر اساس در معرض قرار گرفتن به تماشای فیلم‌های خشن

در معرض تماشا	تعداد	میانگین	انحراف معیار	مقدار t	درجه آزادی	سطح معنی داری
کم	۶۹	۳۷۶۸.۱۸	۰۷۰۳۹.۵	۹.۱	۱۵۱	۰۵۸.
زیاد	۷۴	۸۴۵۲.۱۹	۴۳۲۸۸.۴			

میانگین برون ریزی خشم برای پسرانی که در معرض تماشای کم به فیلم‌های خشن بوده‌اند ۱۸/۳۷ و در پسرانی که در معرض تماشای زیاد به فیلم‌های خشن بوده‌اند ۱۹/۸۴ می‌باشد. آزمون تی تست اختلاف معنی داری را بین میانگین برون ریزی خشم در دو گروه از پسران نشان نمی‌دهد.

جدول ۶. نتایج آزمون تی تست برای کنترل درون ریزی خشم در دو گروه از نوجوانان بر اساس در معرض قرار گرفتن به تماشای فیلم‌های خشن

در معرض تماشا	تعداد	میانگین	انحراف معیار	مقدار t	درجه آزادی	سطح معنی داری
کم	۶۹	۱۵۹۴.۲۴	۱۶۱۰۱.۵	۱.۴	۱۵۱	۰۰۵.
زیاد	۷۴	۳۲۱۴.۲۰	۹۸۶۲۵.۵			

میانگین کنترل درون ریزی خشم برای پسرانی که در معرض تماشای کم به فیلم‌های خشن بوده‌اند ۲۴/۱۵ و در پسرانی که در معرض تماشای زیاد به فیلم‌های خشن بوده‌اند ۲۰/۳۲ می‌باشد. آزمون تی تست اختلاف معنی داری را بین میانگین کنترل درون ریزی خشم در دو گروه از پسران نشان می‌دهد. ($t=4.1$ و $p<0.05$). به عبارتی کنترل درون ریزی خشم پسرانی که بیشتر فیلم خشن تماشا کرده‌اند بطور معنی داری کمتر از افرادی است که کمتر در معرض تماشای این فیلم‌ها قرار گرفته‌اند.

جدول ۷. نتایج آزمون تی تست برای کنترل برون ریزی خشم در دو گروه از نوجوانان بر اساس در معرض قرار گرفتن به تماشای فیلم‌های خشن

در معرض تماشا	تعداد	میانگین	انحراف معیار	مقدار t	درجه آزادی	سطح معنی داری
کم	۶۹	۳۰۴۳.۲۴	۱۷۷۱۷.۵	۰۵.۴	۱۵۱	۰۰۵.
زیاد	۷۴	۵۴۷۶.۲۰	۰۶۴۷۲.۶			

میانگین کنترل برون ریزی خشم برای پسرانی که در معرض تماشای کم به فیلم‌های خشن بوده‌اند ۲۴/۳۰ و در پسرانی که در معرض تماشای زیاد به فیلم‌های خشن بوده‌اند ۲۰/۵۴ می‌باشد. آزمون تی تست اختلاف معنی داری را بین میانگین کنترل برون ریزی خشم در دو گروه از پسران نشان می‌دهد. ($t=4.05$ و $p<0.05$). به عبارتی کنترل برون ریزی خشم پسرانی که بیشتر فیلم خشن تماشا کرده‌اند بطور معنی داری کمتر از افرادی است که کمتر در معرض تماشای این فیلم‌ها قرار گرفته‌اند.

بحث و نتیجه گیری

نخستین یافته پژوهش حاضر نشان می‌دهد که بین خشم کلی نوجوانانی که بیشتر در معرض تماشای فیلم خشن بوده‌اند با نوجوانانی است که کمتر در معرض تماشای فیلم خشن بوده‌اند تفاوت معنی داری وجود دارد و این یافته با یافته‌های انجمن روان شناسی آمریکا (نقل از استفن مایرز، ۲۰۰۲) و نیز با یافته‌های سینگر، اسلوواک، فریسون، یورک، (۲۰۰۹) همسو می‌باشد.

برای تبیین این یافته پژوهش حاضر که سطح خشم کلی در افرادی که در معرض فیلم‌های خشن بوده‌اند بالاتر است می‌توان به نظریات یادگیری اجتماعی بندورا استناد کرد. بندورا به نقش مشاهده در آموزش توجه می‌کند و یادگیری را فرآیندی پیوسته در طی زندگی معرفی می‌کند. وقتی درباره یادگیری مشاهده‌ای سخن به میان می‌آید رسالت رسانه‌ها، به ویژه رسانه‌های دیداری در امر آموزش بیش از هر زمان دیگر پررنگ می‌شود. خود بندورا نیز عمده پژوهش‌های خود را با نمایش فیلم و بررسی اثر فیلم بر انسان‌ها انجام داده است. و اکثر پژوهش‌ها مؤید آن است که سینما و تلویزیون نقش بسزایی در آموزش

یفا می‌کنند. زیرا در فیلم‌ها، هنگامی که قهرمان داستان (یا الگو از نظر بندورا) در مواجهه با حوادث پر مخاطره داستان قرار می‌گیرند، تماشاگران به طور ناهشیار در تقدیر او مشارکت می‌کنند. این فرآیند چنان تماشاگران را به داستان فیلم جذب می‌کند که گویی خود آنها در این حوادث نقش بازی می‌کنند (نقل از مرتضوی قمی، منادی، ۱۳۸۸). بنابراین رفتارهای پرخاشگراانه زیادی را کودکان از طریق تماشای تلویزیون یاد می‌گیرند (کارلسون، فون، فایلیتزن، هوستن، رایت، پارک، اسلابی؛ نقل از روزن کوتر، روزن کوتر، اکوک، ۲۰۰۹).

این نظریه (یادگیری مشاهده‌ای) بر نقش همانند سازی مشاهده کننده با الگو و روابط میان مردم تأکید بسیاری دارد. هر چه الگوها به واقعیت نزدیک تر باشند، بیشتر از آنها تقلید می‌شود. اگر مشابهت فراوانی میان خشونت به نمایش در آمده در رسانه و موقعیت های زندگی روزمره وجود داشته باشد و اگر مخاطبان نیز تمایل به تقلید از رفتار خشونت آمیز داشته باشند، تقلید از خشونت تلویزیونی محتمل تر است.

یافته دیگر نشان می‌دهد بین میانگین حالت خشم کلی نوجوانانی که بیشتر در معرض تماشای فیلم خشن بوده‌اند با نوجوانانی است که کمتر در معرض تماشای فیلم خشن بوده‌اند تفاوت معنی داری وجود دارد و این با یافته براون، همیلتون، گیچریتس (۲۰۰۸) که نشان داد تصاویر خشونت آمیز موجب برانگیختگی افکار و احساسات می‌شود همسو می‌باشد و با یافته هوف، هوبر، ویف (۲۰۰۸) که نشان داد خشونت رسانه‌ای با پرخاشجویی بعدی در ارتباط است همسو می‌باشد و نیز با یافته کراه، مولر (۲۰۱۱) نیز همسو می‌باشد.

حالت خشم بنا به تعریف به عنوان یک وضع هیجانی روانی - زیستی با شرایط مشخص شده به وسیله احساسات درونی یا ذهنی که شدت آن می‌تواند از رنجش خفیف یا ناراحتی معمولی به خشم و غضب شدید تغییر کند. حالت خشم عموماً با تنش عضلانی و برانگیختگی سیستم عصبی خود مختار و فعالیت غدد درون ریز همراه است. ولی در طول زمان بر اثر ادراک فرد از حمله یا تهدید غیر منصفانه از طرف دیگران یا ناکامی حاصل از موانع موجود در مقابل رفتار معطوف به هدف تغییر می‌کند.

تبیین احتمالی این یافته از طریق نظریه اثر محرک قابل توجه می‌باشد بر طبق این نظریه تماشای خشونت رسانه‌ای اندیشه‌ها، ارزیابی‌ها و حتی رفتارهای خشونت آمیز را در فرد (تحریک) می‌کند، به طوری که در تماشاگران برنامه‌های خشن، تمایل بیشتری به توسل به خشونت در روابط بین فردی مشاهده شده است (کارلسون، فایلیتزن، ۱۳۸۰).

یافته بعدی نشان می‌دهد بین میانگین صفت خشم کلی نوجوانانی که بیشتر در معرض تماشای فیلم خشن بوده‌اند با نوجوانانی که کمتر در معرض تماشای فیلم خشن بوده‌اند تفاوت معنی داری وجود دارد. به عبارتی این افراد به موقعیت‌های ناکام کننده یا آزاردهنده با تشدید حالت خشم پاسخ می‌دهند.

این یافته با یافته‌های کالنین، ادواردس، وانگ، کرونین برگر، هیمر و همکاران (۲۰۱۱) که نشان داد خشونت رسانه‌ای در افرادی که خصوصیات پرخاشگرانه دارند تأثیر می‌گذارد همسو می‌باشد و نیز با یافته آندرسون (نقل از گوندرسون، ۲۰۰۶) که رابطه‌ای بین خشونت رسانه‌ای و مشکلاتی مثل افکار پرخاشگرانه، نگرش، احساسات و رفتار نشان داده است همسو می‌باشد.

صفت خشم بر حسب، تفاوت‌های فردی، افراد در گرایش به ادراک دامنه وسیعی از موقعیت‌ها به عنوان موقعیت‌های آزاردهنده یا ناکام کننده و نیز تمایل به پاسخ دادن به این گونه موقعیت‌ها با تشدید حالت خشم، تعریف می‌شود. افرادی که نمره آنها در صفت خشم بالاست، در مقایسه با افراد دیگر، حالت خشم را در اغلب موقعیت‌ها و با شدت بیشتر تجربه می‌کنند.

تبیین احتمالی این یافته از طریق نظریه سناریو هاسمن قابل توجیه است. طبق این نظریه هنگامی که کودکان خشونت را در رسانه‌های جمعی مشاهده می‌کنند، سناریوهای پرخاشگرانه یاد می‌گیرند. سناریوها وضعیت را تعریف کرده و رفتارها را هدایت می‌کند. فرد در ابتدا سناریو را برای باز نمود وضعیت انتخاب می‌کند و سپس نقش را در آن برای خود فرض می‌کند. زمانی که یک سناریو یاد گرفته می‌شود امکان دارد در زمان دیگر اصلاح شده و به عنوان راهنمای رفتار عمل می‌کند. این رهیافت می‌تواند به عنوان نسخه خاصی از نظریه یادگیری اجتماعی در نظر گرفته شود. سناریوها اغلب مجموعه‌ای از مفاهیم بسیار مشخص و بسیار مرتبط به هم در حافظه می‌باشد و اغلب شامل روابط علی، اهداف و طرح‌های کنشی است. وقتی این مفاهیم به شدت با یکدیگر مرتبط می‌شوند مفهوم واحدی را در حافظه معنایی شکل می‌دهند، می‌توانند انتظارات و صفات فرد را که در بر دارنده رفتارهای مهم اجتماعی است، تغییر دهند.

این احتمال نیز مطرح است که مواجهه مداوم کودکان با الگوهای خشونت آمیز تلویزیونی می‌تواند موجب پرورش ویژگی‌ها و صفات شخصیتی خشمگینانه در افراد شود.

یافته دیگر نشان داد بین درون ریزی خشم نوجوانانی که بیشتر در معرض تماشای فیلم خشن بوده‌اند با نوجوانانی که کمتر در معرض تماشای فیلم خشن بوده‌اند تفاوت معنی داری وجود ندارد. به عبارتی افرادی که در معرض فیلم خشن هستند بیشتر از افرادی که در معرض اینگونه فیلم‌ها نیستند خشم خود را در درون خود نمی‌ریزند.

مقایسه این یافته با سایر پژوهش‌های انجام شده در این حیطه به راحتی مسیر نیست زیرا هنوز تحقیقاتی در این حیطه صورت نگرفته است و علیرغم جستجوی محقق در این حیطه هیچ گونه تحقیقی در این حیطه نیافته است.

تبیین احتمالی این یافته این می‌تواند باشد که افراد چیزهای ملموس و عینی که از طریق تلویزیون نیز قابل مشاهده است بیشتر یاد می‌گیرند و چیزهای غیر عینی که دیده نمی‌شود و از طریق تماشای تلویزیون نیز قابل رؤیت نمی‌باشد مانند درون ریزی خشم که از طریق تلویزیون نمی‌توان به عینه دید و

نمی‌توان تقلید کرد یاد نمی‌گیرند. در واقع به نظر می‌رسد فیلم‌ها اغلب بر روی شیوه عمل تأثیر می‌گذارد و خشونت عملی را به عنوان یک مهارت اجتماعی که موجب کار آمدی فردی می‌شود جلوه می‌دهند و چندان در ایجاد درون ریزی خشم افراد به جهان اطراف مؤثر نیستند.

یافته دیگر پژوهش حاضر نشان می‌دهد بین برون ریزی خشم نوجوانانی که بیشتر در معرض تماشای فیلم خشن بوده‌اند با نوجوانانی که کمتر در معرض تماشای فیلم خشن بوده‌اند تفاوت معنی داری وجود ندارد.

چون در بررسی های انجام شده بر روی ادبیات تحقیق، به پژوهشی که این متغیر یعنی برون ریزی خشم را بررسی کرده باشد برخورد نکردیم در نتیجه یافته‌ای که امکان مقایسه را فراهم آورد وجود نداشت.

یافته دیگر پژوهش حاضر نشان می‌دهد از لحاظ کنترل درون ریزی خشم بین دو گروه تفاوت معنی داری وجود دارد. به عبارتی کنترل درون ریزی خشم نوجوانانی که بیشتر در معرض تماشای فیلم خشن بوده‌اند کمتر از کنترل درون ریزی خشم نوجوانانی است که کمتر در معرض تماشای فیلم خشن بوده‌اند می‌باشد. بنظر می‌رسد افرادی که در معرض تماشا به فیلم خشن هستند به هنگام خشمگین شدن نمی‌توانند خونسرد یا آرام تر از افرادی باشند که در معرض تماشای این گونه فیلم ها نیستند.

علیرغم جستجوی محقق در مقالات ایرانی و خارجی در مورد کنترل درون ریزی خشم و در ادبیات تحقیق موردی یافت نشد که امکان مقایسه را فراهم آورد.

یافته بعدی پژوهش حاضر حاکی از آن است که از لحاظ کنترل برون ریزی خشم بین دو گروه تفاوت معنی دار آماری وجود دارد. به عبارتی کنترل برون ریزی خشم نوجوانانی که بیشتر در معرض تماشای فیلم خشن بوده‌اند بطور معنی داری کمتر از کنترل برون ریزی خشم نوجوانانی که کمتر در معرض تماشای فیلم خشن بوده‌اند می‌باشد.

و این یافته با یافته‌های دونرستین، اسمیت، هیوسمن، مویز، پودلسکی، و همکاران (نقل از فانک، بالدای، پاسولد، بومگاردنر، ۲۰۰۴) که خشونت رسانه‌ای را علت رفتارهای خشن در زندگی واقعی می‌داند و نیز با یافته‌های سینگر، اسلواک، فریسون، یورک (۲۰۰۹) که معتقدند افرادی که خشونت رسانه‌ای را تماشا می‌کنند از لحاظ کنترل برون ریزی خشم تفاوت دارند همسو می‌باشد.

در تفسیر احتمالی کنترل درون ریزی خشم و برون ریزی خشم می‌توان گفت از آنجا که کودکانی که از سنین کودکی در معرض فیلم‌های خشن بوده‌اند و همواره در این فیلم ها آموخته‌اند که برون ریزی خشم و عدم کنترل برون ریزی خشم پیامدهای مثبتی را برای فرد به دنبال دارد چرا که همواره مشاهده می‌کنند افرادی که بی محابا برای حل مشکلات و موانع زندگی فرد از پرخاش و عملکردهای خشونت بار استفاده می‌کنند نسبت به افرادی که کنترل برون ریزی خشم در آنها بالا است موفقیت بیشتری تجربه می‌کنند و فرآیندهای انگیزشی یادگیری مشاهده‌ای در آنها رشد می‌کند و این انتظار در آنها ایجاد

می‌شود که کنترل برون ریزی خشم در زندگی روزمره او را فردی ضعیف، ترسو جلوه می‌دهد. در حالیکه عدم کنترل برون ریزی خشم و آشکارسازی بی محابای خشم نسبت به دیگران او را در قالب‌های جنسیتی مردان قوی جای داده و حتی به شکل قهرمانی دست نیافتنی جلوه گر می‌کند. در نتیجه انگیزه چنین افرادی برای عدم کنترل برون ریزی افزایش می‌یابد. اصولاً کنترل درونی و بیرونی یک پدیده تربیتی و آموزشی است. کودکان از ابتدای کودکی از اطرافیان می‌آموزند که سطح کنترل خود را بالا و یا پایین ببرند. بنظر می‌رسد کودکانی که بیشتر در معرض فیلم‌های خشن بوده‌اند چون در این فیلم‌ها کنترل خود، کمتر ارزشمند محسوب می‌شود و تکانشی عمل کردن همواره با تقویت‌های مستقیم و غیر مستقیم مواجه است. در نتیجه در کنترل بطور کلی در سطح پایین تری قرار دارند. بنابراین خشم را یا به شکل بیرونی به سمت دیگران سوق می‌دهند و چنانچه با موانع اجتماعی مثل قوانین مواجه شوند خشم تحریک شده از طریق فیلم‌ها را به سوی خود درون ریزی می‌کنند.

محدودیت‌های تحقیق

ابزار جمع آوری اطلاعات در این پژوهش پرسشنامه خود گزارش دهی می‌باشد که واجد محدودیت‌های خاص خود می‌باشد و نتایج آن قابل تعمیم به پژوهش‌هایی که از ابزار دیگر استفاده کرده‌اند نمی‌باشد. جامعه آماری مورد پژوهش حاضر مربوط به دانش‌آموزان کلاس سوم دبیرستان شهرستان مشکین شهر بوده، لذا تعمیم آن به سایر جوامع آماری باید با احتیاط انجام گیرد. این پژوهش به لحاظ مکان محدود به شهرستان مشکین شهر می‌باشد و قابل تعمیم به سایر استان‌ها و شهرستان‌ها نمی‌باشد.

این پژوهش بر روی پسران اجرا شده و قابل تعمیم به دختران نمی‌باشد.

پیشنهادات پژوهشی و کاربردی

- پیشنهاد می‌شود در پژوهش‌های آتی از مصاحبه و مشاهده نیز استفاده شود و نتایج آن با داده‌های پژوهش حاضر مقایسه شود.

برپایی و ایجاد سمینارها و محافل علمی جهت متخصصان، خانواده‌ها، اولیای آنها، دانش‌آموزان و همه اقشار مردم به منظور آشنا نمودن آنها با تأثیر فیلم‌های خشن.

- چاپ و نشر مجلات و کتب و روزنامه‌ها و... جهت آگاهی و آموزش برای ارتقا دانش و آگاهی مردم در مورد نقش یادگیری مشاهده‌ای در افزایش خشونت‌های لجام گسیخته جوامع امروز.

منابع

- ارونسون، ا. (۱۳۸۷). **روانشناسی اجتماعی**. ترجمه حسین شکر کن، (۱۹۹۹). تهران: انتشارات رشد.
- بقایی لاکه، م. خلعتبری، ج. (۱۳۸۹). اثر بخشی برنامه آموزش مدیریت خشم بر کنترل و خود نظم دهی خشم و تکانشگری مادران دانش آموزان پسر مقطع ابتدایی شهر رشت. **دو فصل نامه دانشکده‌های پرستاری و مامایی استان گیلان**، سال ۲۰، شماره ۶۳، صفحات ۹-۱.
- توسلی، غلام عباس، فاضلی، رضا. (۱۳۸۱). تأثیر پایگاه اجتماعی - اقتصادی و رفتار والدین بر اثر بخشی خشونت تلویزیونی بر رفتار کودکان. **مجله جامعه شناسی ایران**، دوره ۴، شماره ۳، جوادی، فاطمه، سهرابی، فرامرزی، فلسفی نژاد، محمد رضا، برجلی، احمد. (۱۳۸۷). بررسی تاثیر سبک مداخله (نظارت) در تماشای خشونت تلویزیونی بر پرخاشگری پسران ۹-۱۱ ساله. **پژوهش و سنجش**، دوره ۱۵، شماره ۵۴.
- خدایاری فرد، محمد، غلامعلی لواسانی، مسعود، اکبری زرد خانه، سعید، لیاقت، سمیه. (۱۳۸۸). **استاندارد سازی سیاهه ابراز خشم صفت - حالت ۲ اسپیلبرگر برای دانشجویان ایرانی توانبخشی**، دوره ۱۱، شماره ۱، بهار ۸۹.
- سیف، علی اکبر. (۱۳۸۸). **روانشناسی پرورشی نوین**. تهران: انتشارات دوران.
- کارلسون، ا.، فایلیتزن، س. (۱۳۸۰). **کودکان و خشونت در رسانه‌های جمعی**. ترجمه مهدی شفقتی، (۱۹۹۹). تهران: انتشارات: مرکز تحقیقات مطالعات و سنجش برنامه ریزی صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران.
- مرتضوی قمی، فاطمه، منادی، مرتضی. (۱۳۸۸). بررسی مفاهیم صلح و خشونت در سینمای دفاع مقدس. **اندیشه های نوین تربیتی**، دوره ۵، شماره ۱.
- نویدی، احد. (۱۳۸۷). تأثیر آموزش مدیریت خشم بر مهارت های سازگاری پسران دوره متوسطه شهر تهران. **مجله روانپزشکی و روانشناسی بالینی ایران**. سال ۱۴، شماره ۴، زمستان ۸۷.
- Browne, p. ; Hamilton-Giachritsis, c. (2008). **The influence of violent media on children and adolescents: a public-health approach**. The Lancet, Volume 371, Issue 9619.
- Brown, J. ; Witherspoon, E. (2002). **The mass media and american adolescents health**. *Jounral of adolescent health*, Volume 31, page 153-170.
- Funk, J. ; Bechtoldt, H. ; Pasold, T. ; Baumgardner, J. (2004). **Violence exposure in real-life, video games, television, movies, And the internet: is there desensitization**. *Journal of Adolescence*, volume 27, page, 23-39.

- Gunderson, j. (2006). **Impact of real life and media violence**: relationship between violence exposure, aggression, Hostility and empathy. Thesis the university of Toledo.
- Gunter, B. (2008). **Television programming and Violence International**. *Encyclopedia of Violence, Peace, & Conflict*, Pages 2055-2068.
- hopf, w.; huber, G.; wieß, R. (2008). **Media violence and youth violence**: A 2 – year longitudinal study. *journal of media psychology*. Volume 2, pages 79-96.
- Kalnin, A.; Edwards, C; Wang, Y. ; Kronen berger, W. ; Hummer, T. ; Mosier, K. ; Dunn, D.; Mathews, V. (2011). **The interacting role of media violence exposure and aggressive – disruptive behavior in adolescent brain activation during an emotional stroop task**. *Psychiatry research: neuroimaging*. Voulme 192, Issue 1, page 12-19.
- Krahé, B.; Möller, I. (2011). **Links between self-reported media violence exposure and teacher ratings of aggression and prosocial behavior among German adolescents**. *Journal of Adolescence*, Voulme 34, page 279–287.
- Rosenkoetter, L.; Rosenkoetter, Sh.; Acock, A. (2009). **Television violence: An intervention to reduce its impact on children**. *Journal of Applied Developmental Psychology*, volume 30, page 381–397.
- Singer, M.; Slovak, K.; Frierson, T.; York, P. (2009). **Viewing Preferences, Symptoms of Psychological Trauma, and Violent Behaviors Among Children Who Watch Television**. *Journal of the American Academy of Child & Adolescent Psychiatry*, Volume 37, Issue 10.
- Stephen Meyers, K. (2002). **Television and video game violence: age differences and the combined effects of passive and interactive violent media**. Thesis the Louisiana State University.



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی